

تحلیل محتوای کتاب درسی پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی پایه دوازدهم رشته تربیت کودک شاخه فنی و حرفه ای مبتنی بر الگوی خلاقیت پلسک

صدیقه درویشی

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات) بندر عباس

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه مولفه های خلاقیت در کتاب درسی پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی پایه دوازدهم شاخه فنی و حرفه ای رشته تربیت کودک است. این پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل یک جلد کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی اجتماعی پایه دوازدهم رشته تربیت کودک در سال تحصیلی (۹۸-۱۳۹۷) می باشد. حجم نمونه برابر با حجم جامعه انتخاب گردید. ابزار این تحقیق فرم تحلیل محتوا با توجه به الگوی آموزشی خلاقیت پلسک است. نتایج و تحلیل کمی محتوای کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی پایه دوازدهم رشته تربیت کودک با توجه به داده ها نشان می دهد که این محتوا بر بعد آمادگی ذهنی تا کید دارد و برخی از مولفه های بعد تخیل و کاربرد مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که میزان رعایت مولفه های بسیار اندک بوده و هماهنگی لازم در رعایت اکثر مولفه ها در همه ابعاد وجود ندارد. لذا پیشنهاد می گردد که با رعایت برخی مولفه هادر سازمان دهی و تدوین کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی پایه دوازدهم رشته تربیت کودک فرایند آموزش خلاقیت و رشد آن را فراهم ساخت.

کلید واژه ها:

تحلیل محتوا، الگوی خلاقیت پلسک، کتاب پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی

مقدمه

یکی از زیباترین ویژگی انسان قدرت آفرینندگی یا خلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می تواند اهداف آرمانگرایانه خود را پدید آورد و توانایی خود را شکوفاسازد. خلاقیت توانایی فردی در تولید ایده ها، نظریه ها، بینش هایا اشیاء جدید و بدیع و بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه ها است و از نظر علمی اجتماعی، زیبا شناسی و فنا وری با ارزش تلقی می گردد (حسینی، ۱۳۸۸).

بیان مساله : انسانهای مدرن امروزی ، در بحران های شدید اجتماعی زندگی می کنند از این رو سرمایه گذاری در خلاقیت ، کلید پیشرفت اجتماعی تلقی می شود (استا جا نوا ۲۰۱۰).

استرنبرگ (۲۰۰۱) خلاقیت را توانایی آفرینش اندیشه های نو در سطح عالی می داند که آمیزه ای از توان نوآوری، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر حساسیت های موجود است و به فرد این توانایی را می دهد که همراه با اندیشه منطقی و خردمندانه به یافته های دیگری بیندیشد تا دستاوردهای سودمند برای او و دیگران داشته باشد (شریفی و داوری، ۱۳۸۸). توین بی معتقد است اگر جامعه نتواند از موهبت خلاقیت حد اکثر استفاده را بنماید و بدتر از این توانایی را سرکوب کند، انسان از حق ذاتی اش یعنی اشرف مخلوقات بودن محروم می گردد هم چنین پلسک خلاقیت را خلاقیت منظم شده و هدایت شده می داند (پلسک، ۱۹۹۷).

محققانی از جمله فریتز (۱۹۹۱) و پلسک (۱۹۹۷) مدل هایی برای آموزش خلاقیت ارائه کرده اند. پلسک مدل چهار مرحله ای را پیشنهاد می کند که مراحل آن عبارتند از:

آمادگی: به نظر پلسک توجه عمیق چیزی فراتر از دانش و اطلاعات است.

_ تخیل: این مرحله، تفکر در باره عبور از وضع موجود و گریز از موقعیت فعلی است.